



مبانی مرمت بافت‌های تاریخی شهری

امید شاطری وایقان^۱، محمد دبدبه^۲، وحید کهبازاده^۳

چکیده

مرمت بافت‌های شهرهای تاریخی در سیر زمانی در دوره‌های مختلف با توجه به عملکرد متنوع توأمان با محوریت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی با اهداف گوناگونی در جهت گسترش تغییرات یک‌پارچه در کالبد محدوده‌ها اعمال، صورت گرفته شده‌اند. مرمت بافت تاریخی شهری را می‌توان نوعی نگرشی استادانه با رویکردهای توسعه پایدار و حفاظت‌های میراث ملی در اکثر کشورهای در حال توسعه با زوایاهای موضوعی مرمتی بیان نمود همچنین در ایران این موضوع یکی از علت‌ها، مشکلات و کمبودها قابل توجه مواجه می‌باشد. بافت‌های تاریخی در شهرهای با اصالت تاریخی با قابلیت میراثی ارزشمند می‌تواند نقش تعیین‌کننده هویتی، هویت از گذشته را شامل گردد و آن را به یک سمبل جاودانه در جهان هستی به تحقق یابد طوری که بافت‌های تاریخی در مقابل عوامل طبیعی و انسانی دچار آسیب و نابودی قرار می‌گیرند که می‌توان برای جلوگیری از شدت عوامل در اجرا و تدوین برنامه‌های مدیریتی شهرهای تاریخی طرح‌های مرمت شهری را در محدوده‌های بافت‌های تاریخی امری ضروری دانست. چراکه با تبیین استراتژی تغییر سازگار با نیاز روزی و تعیین برنامه اصالت موضوعی می‌توان علاوه بر حفاظت بافتی در محدوده‌های شهری رویکرد مؤثر در جهت مقابله از بین‌رفت مورد اتخاذ قرار گرفت. روش تحقیق در پژوهش حاضر براساس نوع روش تحقیقی از نوع توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده است همچنین در جهت تبیین و استقرار اهداف تحقیق با تجزیه و تحلیل موارد ارزیابی مبانی مرمت با استفاده از روش استنادی و مطالعه متون کتابخانه‌ای مکتوب در گردآوری اطلاعات داده‌ها استخراج گردیده را برخوردار می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اصول به کار گرفته شده در پژوهش حاضر یک نوع راهنمایی برای محدوده‌های مرمت شهری با زمینه‌های تاریخی بر مبنای تأثیرگذاری انجام گرفته شده است.

واژگان کلیدی: مرمت، بافت تاریخی، مبانی مرمت، هویت، مرمت شهری

۱- کارشناسی ارشد معماری داخلی، پژوهشگر معماری/معماری داخلی

۲- (مسئول مکاتبات)، کارشناسی ارشد معماری داخلی، پژوهشگر/تحلیل‌گر و نظریه پرداز فعال مسائل حوزه تخصصی معماری/معماری داخلی

mohammaddabdabeh@yahoo.com

۳- کارشناسی مهندسی معماری

براساس مطالعات انجام گرفته شده در طی یک قرن اخیر، گرایش‌های موجود برای حفظ و حفاظت از بناهای تاریخی شاهد تغییرات بسیاری مدنظر گرفته شده است. در این زمینه اصول و دستورالعمل‌های مدونی تهیه شد تا بدین ترتیب آثار تاریخی جوامع مختلف بشری مورد حفاظت و نگهداری قرار بگیرند. از قرن بیستم بود که قطعه‌نامه‌ها، منشورها و مصوبات مهمی در مورد مرمت شهری^۱ تدوین شدند. البته لازم به ذکر است برخی از این قطعه‌نامه‌ها، ممکن است امروزه مورد انتقاد قرار گیرند و اشکالاتی به آن‌ها وارد شود، اما نکته مهم در موردشان این است که این قطعه‌نامه‌ها روندی تکاملی داشته‌اند و به تدریج به جنبه‌های بیشتری از مسائل مرمت و باززنده‌سازی مرمت شهری توجه کرده و کامل‌تر شده‌اند. حفاظت از آثار تاریخی و تأکید بر اهمیت حفاظت نسبت به بازسازی^۲ از موارد مهم و مورد توجه می‌باشد از موضوعات بسیار مهم در امر حفاظت از بناهای تاریخی، طراحی داخلی متناسب با عملکرد^۳ نو است که در طرح باززنده‌سازی^۴ به آن تخصیص کاربری داده می‌شود.

از آنجا که توزیع فعالیت‌ها به منظور بهره‌برداری متفاوت از بنای تاریخی مستلزم دخالت و معماری تغییر^۴ در آن می‌باشد، متخصصان امر حفاظت از بناهای تاریخی، اصل بازگشت‌پذیری را برای طراحی در بناهای تاریخی ارزشمند در نظر گرفته‌اند. براساس آن، دخالت در بنای تاریخی تا بدان‌جا مجاز می‌باشد که امکان بازگرداندن آن به وضعیت اولیه با کم‌ترین آسیب میسر باشد. مسیر رسیدن به برنامه و طراحی مناسب برای باززنده‌سازی یک بنای تاریخی از شناخت آن آغاز می‌شود. شناختی جامع و کامل در رابطه با بنا و نحوه ارتباط آن با بافت و محیط اطراف که دربرگیرنده پیشینه دگرگونی‌ها تا رسیدن به وضع موجود بوده است (ضیاء شهبایی، آذرنوش، ۱۳۹۰، ص ۷۹-۷۶). طوری که شناخت، آسیب‌های وارد آمده به اثر تاریخی، کمبودها و نیازها و راهکارهای برطرف ساختن آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نتیجه مطالعات انجام شده طرح مرمت شهری بنا تهیه می‌شود که به کمک آن و پس از طی مراحل شناخت، معمار و گروه همکار و مرمتگر^۵ می‌توانند نسبت به ارائه طرح باززنده‌سازی و تخصیص عملکرد متناسب با اصالت^۶ بنا و روح اثر تاریخی، اقدام نمایند. ادامه مسیر، در پیشبرد برنامه‌ای جهت تهیه طرح باززنده‌سازی مناسب برای یک بنای تاریخی / بافت شهری، بررسی و شناخت نمونه‌های مشابهی است که در مواجهه با بناهای تاریخی انجام گرفته است. نکته حائز اهمیت در بررسی نمونه‌ها این است که معرفی آن‌ها صرفاً به صورت یک گزارش که تقلید را به دنبال دارد، نباشد بلکه هدف از آن رسیدن به شناخت و فهم بنیان‌ها و معیارهای طراحی داخلی در بناهای تاریخی می‌باشد.

می‌توان بیان نمود با باززنده‌سازی و مرمت شهری که یکی از برنامه‌های بازآفرینی آفرینش شهری‌های تاریخی به حساب می‌آید از لحاظ ظرفیت‌ها و دسترسی‌ها با حفظ سیاست‌گذاری اصولی در طراحی و رشد توسعه مرمت شهری در موردهای زیبایی‌شناسی، هویتی، هویت^۷ و غیره مطرح گردد چراکه بازآفرینی مرمتی شهری را می‌توان یکی از تأثیرگذارترین رویکردهای معاصر در حوزه‌های مرمت شهری با رویکردهای حفاظت در محدوده‌های بافتی تاریخی به‌شمار آورد. همچنین یکی از اصلی‌ترین و بارزترین عناصر این رویکرد نگرش گسترده به واقعیت ابعاد متنوع شهری به‌طور سیستمی با درنظر گرفتن اجزاء با ساختارهای کالبدی و طبقه‌بندی کارآمد و اجرایی کردن راهبردهای بازآفرینی مرمت شهری در دستور کار برخوردار می‌گردد. مرمت شهری را می‌توان دارای اهمیت و تأکید روزافزون بر شخصیت‌های هر شهر، منطقه و جامعه با عملکردهای برنامه‌ریزی شده با ارزش‌های معماری در حفظ میراث ملی مدنظر قرار گرفت (لطفی، ۱۳۸۷؛ ۲۱۰-۱۹۵). همچنین تئوری مرمت معاصر حول روایت‌های جاری و دموکراتیک، در دو قرن اخیر توسعه یافته و امروزه به ابزار مفهومی معاصر دیگری به‌نام پایداری متوسل گردیده است طوری که در استفاده‌های عمومی پایداری، انعکاس اقتصادی و اکولوژیک درنظر گرفته می‌شود و در مرمت نیز فوائد آن شناخته شده و پایداری اقتصادی مرمت توسط نویسندگان متعددی گوشزد گردیده شده است. اگرچه این نوع پایداری فقط در مورد آثار با جاذبه عمومی قوی امکان‌پذیر است و نمی‌توان آن را در مورد اغلب آثار مرمتی به‌کار برد. در همین رابطه می‌توان اصول و ارتباط مرمتی را این‌گونه خلاصه کرد یکی از راه‌حل‌های آینده و نه‌تنها در مرمت، «پایداری» بوده است. توسعه پایدار با تأکید بر اهمیت بخشیدن بیشتر به نسل‌های آینده به شکلی بسیار جالب از پایداری اشاره دارد. در همین راستا مبانی نظری مرمت معاصر عاملی را درنظر می‌گیرد که در غیر این صورت ممکن بود از آن چشم‌پوشی گردد حال آنکه این نکته (یعنی درنظر داشتن)، کاربران آینده بسیار مهم است هرگاه اثری اصلاح می‌گردد، برخی از مفاهیم آن تقویت و برخی دیگر برای همیشه محدود می‌گردند اصول پایداری در مرمت حکم می‌کند که در تصمیم‌گیری‌ها، کاربران آینده، موردنظر قرار گیرند. می‌توان بیان نمود به‌صورت گسترده‌تر هر اثر منبعی از مفاهیم است که در سطوح مختلف از آن بهره‌برداری می‌گردد، حال اگر در مرمت تنها کاربران امروزی درنظر گرفته شوند تبدیل آثار به‌طور دل‌خواه امری طبیعی خواهد بود. همان‌طور که بدون مفهوم پایداری، مبانی نظری معاصر مرمت نوعی درون‌گرایی ملی تندرود خواهد بود و بر همین اساس هرچیزی تا زمانی که دموکراتیک باشد قابل قبول است. بنابراین هر چیزی می‌تواند بارها و بارها بازسازی و احیاء و مصرف شود تا زمانی که فقط یک ذره از آن باقی بماند. اگر چنین تغییر تدریجی در روشی که تا به امروز در مرمت انجام می‌شود صورت گیرد، به یک عملیات مرمتی غیرپایدار عادی شده تبدیل می‌گردد و مفید بودنش را برای آیندگان به‌طور فاجعه‌آمیزی کاهش می‌دهد درحالی‌که آیندگان ممکن است مفاهیم کاربردی دیگری را ترجیح دهند. مرمت غیرپایدار تا

قرن نوزدهم امری عادی بوده مثلاً می‌شد کلیساها را به مساجد و مساجد را به کلیسا تبدیل کرد. حال اگر به این موضوع توجه کنیم یا نکنیم ما از چنین مسیری چندان دور نیستیم، اصول پایداری اختطاری برای مرمتگران، تصمیم‌گیران و کاربران است و از آن‌ها می‌خواهد که از چیزی سوءاستفاده نکرده و کاربران آینده را از قابلیت عملکرد نمادین آن محروم نکنند.

آثار معماری با دارا بودن کلیه ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن‌ها جهت استفاده‌های موردنیاز خلق شده در گذشته مورد استفاده قرار گرفته‌اند و اکنون به سبب تغییر سریع الگوی زندگی در نحوه انجام فعالیت‌های مربوط به آن بدون استفاده مانده و عمر مفید کاربری پیشین خود را سپری کرده‌اند. حال آنکه با دو کارکرد متعارض غنی حفاظت و استفاده روبه‌رو هستند. از یک طرف بازدید و استفاده از این آثار، به‌عنوان ارزش‌های فکری، هنری و هویتی موردنیاز و علاقه شدید اکثر مردم بومی و غیربومی است از طرف دیگر، استفاده بی‌رویه و بی‌برنامه از آن‌ها موجب فرسایش و نابودی آن‌ها خواهد شد. از این نظر چگونگی بهره‌برداری و حفاظت از آن‌ها به یک مسئله اساسی تبدیل شده است. با نظر به آنکه بسیاری از این بناها قابلیت‌های معماری فراوانی به سبب وجوه تاریخی/ فرهنگی و هنر به کار رفته در خود دارند، ضروری است روشی مناسب جهت حفاظت و جلوگیری از روند تخریب این ابنیه اتخاذ گردد. تا همچنان به حیات فرهنگی خود ادامه دهند در این میان یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که می‌تواند نسل حاضر را به این هدف نزدیک کرده و نسل‌های آینده را از وجود این ابنیه محروم نگرداند، استفاده مجدد در قالب انطباق کاربری سازگار با انسان امروزی در جوامع می‌باشد.

۲- پرسش‌های تحقیق

- ۱- مرمت شهری و احیاء چه مقدار می‌تواند نیاز هویتی بافت‌های تاریخی را تأمین کند؟
- ۲- با مرمت شهری و پروتکل‌های مؤثر در اصول احیاء آیا می‌توان آن را با نیاز انسان امروزی در ارتباط گذاشت؟
- ۳- مرمت شهری تا چه اندازه می‌تواند پاسخگوی ابنیه‌های تاریخی مفید واقع شود؟
- ۴- عوامل ماندگار در ارائه هویتی مرمت شهری با انسان چه عواملی بوده است؟
- ۵- عملکردهای تأثیرگذار در جهت امر پژوهش حاضر می‌تواند برای رسیدن به طرحی سازگار برای تحقق اهداف برای مرمت‌های شهری مفید واقع شود؟

۳- فرضیه‌های تحقیق

۱. بافت‌های تاریخی یکی از میراث هویتی برای هر جامعه با هر نوع فرهنگی با هر کاربری بوده است چراکه با ایجاد محیطی عملکردی در مرمت شهری این عملکرد جهانی جهت رسیدن جوامع به تحقق اهداف می‌تواند مؤثر باشد.
۲. با استفاده از مرمت‌های شهری همسو با نیاز امروزی جامعه با حفظ فرهنگ تاریخی گذشته که باعث حفظ آن در ارتباط با مرمت تاریخی گذشته در شهرهای تاریخی جهت حفظ آرامش می‌توان آن را براساس اصول رعایت تجربه با حس گذشته کرد.
۳. استفاده از متریاال‌های بومی و اصیل گذشته خود آن منطقه می‌تواند در مرمت شهری متناسب با محدوده‌های بافتی نوعی بوطیقای فضایی را منحصر به فرد کند.

۴- اهداف تحقیق

۱. با مرمت شهری و تغییر در کالبد بناها در معماری آن‌ها با رعایت اصالت ابنیه‌ها و حفظ هویت اصلی آن‌ها می‌توان در جهت آفرینش هر چه بیشتر میراث با گذشته و امروز به آرمان‌های شهری با رویکرد سازگار نمود پیدا کنیم.
۲. اهداف به تحقق رسیده در مرمت شهری می‌تواند با نوع طراحی یک تجربه را برای جوامع با گذشته فراهم آورد که باعث ایجاد توسعه پایداری، گردشگری و هویتی با فرهنگ تأمین گردد.
۳. با مرمت شهری و احیاء دوباره می‌توان علاوه بر حفظ تاریخ گذشته نیازهای انسانی را با هدف نظام‌مند حفظ کرد.

۵- پیشینه پژوهش

مطالعات در باب مرمت شهری طبق خاستگاه روند پژوهش مورد مطالعه با بررسی مستندات مکتوب در جهت تحقق اهداف مقاله حاضر براساس (جدول ۱)، مورد واکاوی و بررسی قرار گرفته همچنین در جهت رسیدن به اهداف پژوهش می‌توان با استناد بر موضوعات و مرمت‌های شهری صورت گرفته شده گامی مؤثر در رسیدن به آرمان‌های مرمتی در جوامع به یک ایدئولوژی سازگار نمود پیدا کرد.

جدول ۱- مستندات انجام گرفته شده براساس موضوع پژوهش حاضر (مأخذ: جمع آوری توسط نگارندگان)

نویسندگان	سال	عنوان	توضیحات استنتاجی
چزاره براندی ^۸ ترجمه: پیروز حناچی ^۹	۱۳۹۲	نظریه‌های مرمت (تئوری مرمت)	- بررسی اندیشه‌های نظری مرمت - مفهوم مرمت - جنبه‌های مرمت و زیبایی‌شناختی در مرمت (براندی، ۱۳۹۳: ۸۰-۱).
مریم رزقی ^{۱۰} کامبیز رزقی ^{۱۱}	۱۳۹۲	تحلیل فضاهای شهری	- بررسی سامان‌دهی و گسترش شهری - مفهوم بافت‌های فرسوده محدوده شهری - زیبایی در مفهوم شهر - سازمان‌دهی فضاهای شهری (رزقی، رزقی، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۴۵).
اصغر محمد مرادی ^{۱۲} محمدحسن محب‌علی ^{۱۳} آتس‌سا امیرکبیریان ^{۱۴}	۱۳۹۳	دوازده درس مرمت	- بررسی و مطالعه کلی شناخت بناها - اصول به‌کارگیری و روش‌های مرمت - تحلیل ریز فضاها در مرمت - آسیب و درمان در مرمت (محمدمرادی، محب‌علی، امیرکبیریان، ۱۳۹۳: ۱۸۹-۹۹).
سیدمحسن حبیبی ^{۱۵} ملیحه مقصودی ^{۱۶}	۱۳۹۵	مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعاتنامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری،	- بررسی عوامل بر محیط شهری و تأثیرگذاری آن بر فضای شهری - ویژگی‌های کلی در مرمت شهری در بوطیقای فضای شهری (حبیبی، مقصودی، ۱۳۹۵: ۱۳-۹).
جان لنگ ^{۱۷} ترجمه: علیرضا عینی‌فر ^{۱۸}	۱۳۹۶	آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط	- بررسی مبانی نظریه عملکردهای جدید در حوزه طراحی محیط - دیدگاه‌های نظری در ارتباط با آفرینش معماری با طرح دیدگاه‌ها (لنگ، ۱۳۹۶: ۲۸۲-۲۷۲).
فرد اسکات ^{۱۹} ترجمه: علیرضا عینی‌فر احسان مسعود ^{۲۰} نوید گلچین ^{۲۱}	۱۳۹۷	معماری تغییر: تمهیدات تغییر در معماری موجود	- بررسی تئوری‌های مداخله‌ای در تغییر - ایجاد شاخص‌های هنر مداخله در تغییر - نقش حفاظت، نگهداری و مرمت - عملکردهای تمهیدات تغییرات در پروژه‌های معماری تغییر (اسکات، ۱۳۹۷: ۲۶۳-۱۲).
ناصر فکوهی ^{۲۲}	۱۳۹۷ ۱۳۹۸	پاره‌های هنر، معماری و شهرسازی (جلد ۱ و ۲)	- بررسی حوزه‌های نظری هنر با پهنه‌ای از هنرهای تجسمی، معماری و شهرسازی - دیدگاه‌های افراد و نگرش‌های آنان - هویت محوری - اندیشه‌ها و دانش‌های نقد‌کننده‌گان حوزه هنری، معماری و شهرسازی (فکوهی، ۱۳۹۸- ۱۳۹۷: ۵-۳).
محمود ارژمند ^{۲۳} احمد امین‌پور ^{۲۴}	۱۳۹۴	نقش مرمتگر در مرمت ابنیه حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی؛ تأملی بر مبنای رویکردهای مرمتی در دانش مرمت براساس عامل انسانی مرمت	- بررسی عنصرهای مرمت (طرح، انسان) - راهبردها و رهنمودهای مداخلات در آثار تاریخی برای مرمتگران - ویژگی‌های مرمت برای مرمتگر - مقایسه فرهنگ و تمدن اسلامی (ارژمند، امین‌پور، ۱۳۹۴: ۱۰۵-۹۸).

منبع: مجله

منبع: مقاله

۶- روش تحقیق

پژوهش مورد مطالعه به لحاظ نوع روش تحقیق، از نوع توصیفی - تحلیلی برخوردار بوده می‌باشد همچنین برای گردآوری اطلاعات داده‌ها از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت مرمت بافت‌های تاریخی شهری نوعی ویژگی خارق‌العاده توأمان با هویت ملی و پاسخی برای انسان در سیطره تاریخ می‌باشد که با مرمت می‌توان به استدلال بوطیقای فضایی در هر شرایط به تحقق دست یافت.

۷- مبانی مرمت بافت‌های تاریخی شهری

۱-۷- بافت تاریخی^{۲۵}

می‌توان به‌طور دقیق و واضح و رسا بیان نمود بافت تاریخی در هر شهر را می‌توان بخشی از سرمایه اجتماعی / فرهنگی آن جامعه برای آن شهر دانست که به تبیین ساختارهای معماری، شهرسازی و کالبد محدودۀ تاریخی با توجه به شرایط محیطی، فرم و فضا با ویژگی‌های هر شهر توأمان با شرایطی چون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در هر شهر با گذر زمان در سیطرۀ تاریخی تکوین یافته‌اند. در ایران بافت تاریخی، آن بخش از بافت شهرها را شامل می‌گردد که تا پیش از آغاز قرن حاضر، یعنی شروع شهرنشینی جدید در ایران، شکل گرفته و در زمان حاضر در مرکز یا در محدودهٔ بلافضل شهرها جایگاه ویژه‌ای را به‌خود اختصاص داده‌اند و سطح نسبتاً گسترده و عملکرد نیرومند آن‌ها در مقیاس منطق‌های و ملی بر اهمیت آن‌ها افزوده است. با این وجود، بافت‌های تاریخی شهرها به دلیل فرسودگی کالبدی و فقدان استانداردهای ایمنی، استحکام، و خدمات و زیرساخت‌های شهری، به‌رغم برخورداری از ارزش‌های هویتی و میراثی ملی، از منزلت مکانی و سکوتی پایین برخوردار شده است.

۲-۷- فضای شهری^{۲۶}

اگر بخواهیم فضای شهری را تعریف نمائیم و تحمیل معیارهای زیبایی‌شناختی و رفتارشناسی در نظر بگیریم ناچار خواهیم بود فضای مابین ساختمان‌ها، توده‌های شهری را در فضای شهری مدنظر قرار داد. فضاهای شهری از دیدگاه‌های هندسی و کالبدی با بدنه‌های گوناگون شهری محصور می‌گردند (کریر، ۱۳۸۳: ۱۴۰-۱۳۶). پس کیفیت فضای شهری به‌عنوان یک فضای محصور در ارتباط با کیفیت، تعریف بدنه‌های محصورکنندهٔ آن سنجیده می‌شود. همچنین می‌توان گفت از دیدگاه علوم رفتاری تنها ویژگی‌های کالبدی و هندسی فضای شهری نمی‌تواند اجازه دهد تا آگاهانه فضای باز بیرونی را در عرصهٔ شهر یک فضای شهری مدنظر قرار دهیم، بلکه حضور انسان و تعامل اجتماعی که در عرصهٔ شهر صورت می‌پذیرد نقشی غیرقابل‌انکار در تداعی و تدوین معنای فضای شهری در ذهن مخاطب ایفاء می‌کند. بدون شک کیفیت بهره‌برداری از فضای عمومی شهر و رفتار اجتماعی ارتباط مستقیمی با کیفیت شکل‌گیری تصویر ذهنی فرد از شهر و فضای شهری خواهد داشت. بنابراین تعریف فضای شهری زمانی می‌توان فضای مابین ساختمان‌های شهر را فضای شهری مدنظر قلمداد نمود که شکل‌گیری و تکامل گونه‌های مختلف و متنوعی از عملکرد و رفتار اجتماعی در آن عرصه در ذهن مخاطب درک شود. و یا به بیان دیگر فضای شهری بستر شکل‌گیری فعالیت، رفتار و تعامل اجتماعی شهروندان در عرصهٔ عملکردی شهر خواهد بود. سیمای شهر، به کالبد شهر در نظر قرار نمی‌گیرد بلکه به‌تصویر شکل گرفته از شهر در ذهن انسان اطلاق می‌گردد (لینچ، ۱۳۸۱: ۵۲۰-۲۸۹). تصویر ذهنی یا سیمای شهر، کلیهٔ برداشت‌ها، دانسته‌ها، باورها، حدس‌ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون خود داشته و ارزش‌ها، کیفیات، عملکردها و اولویت‌های متفاوت را در ذهن وی ایجاد می‌نماید که این ذهنیات تابعی از کلیه اطلاعاتی است که فرد تا آن برهه از زمان دریافت و در ذهن خود انباشته است (بحرینی، ۱۳۸۴: ۲۴۰-۲۶). در فرایند مرمت شهری انسان اطلاعات دریافتی از محیط را در ذهن منظم کرده و علاوه‌بر اجزای محیط، نظم یا رابطهٔ حاکم میان آنان را نیز در ذهن خود به‌تصویر کشیده و به آن معنا می‌بخشد این نوع از تصویر پایه و اساس هرگونه کنش و واکنش فرد با محیط می‌گردد انسان در هر مقطع زمانی تنها بخشی از اطلاعات محیط خود را در ذهن ثبت می‌نماید. آنچه از شهر و فضای شهری در ذهن مخاطب شکل می‌بندد، همان سیمای شهر است که به شکل یک جریان پویا و زنده در حال تکامل و تصحیح خویش می‌باشد و تصور فرد از فضای شهری را به سان یک نقش مایه سیال و پویا شکل می‌دهد. در نتیجه تصویر ذهنی برای فرد فقط مربوط به زمان حال نبوده بلکه با تصورات ذهنی وی از گذشته و آینده ترکیب شده و ایجاد خاطراتی از گذشته و توقعاتی از آینده با هویت‌ساختاری برخوردار می‌گردد.

۳-۷- معماری شهری^{۲۷}

معماری شهری از عواملی چون درکی از ساختار عملکردی خیابان‌ها، گذرگاه‌ها و ساختار کالبدی نیز بسیار تأثیرگذار در معماری شهری بوده است. ترکیب ساختار واجد بار معنایی خاصی در طراحی می‌شود که می‌توان آن را معماری شهری خواند. طوری که معماری شهری، معماری است که به بستر و زمینهٔ اطرافش پاسخ می‌دهد و همچنین به تعریف حوزهٔ عمومی اطراف لذا در واقع خود کمک مؤثری می‌کند این‌گونه معماری، به معنای تعریف و نام‌گذاری کارکردهای کالبدی حد واسط بین معماری و طراحی شهری است (Carmona et al., 2003: 149-160).

۷-۴- مرمت شهری

مرمت شهری در اندیشه نوین به این واقعیت دست یافته که باززنده‌سازی و مرمت کالبدی، پاسخگویی برای حل بحران شهری نیست و به‌طور توأمان بایستی مرمت فرهنگی و اجتماعی را نیز در دستور کار (مرمت شهری)، قرار داد به بیان دیگر، همان‌گونه که مرمت شهری از مداخله در ساخت کالبدی فضایی شهر و بافت‌های تاریخی شهری آغاز شده است، بایستی به مداخله در ساخت فرهنگی و اجتماعی جامعه نیز منجر شود (حاجی‌پور، ۱۳۸۶: ۲۵-۱۶). مرمت شهری در سیرتاریخی، تحولات و دگرگونی خود را در دوران معاصر و به ویژه از دهه ۱۹۵۰ میلادی تا به امروز، دوره‌ها و مراحل مختلفی را سپری کرده است. که در هر دوره این‌ها با شرایط زمانی خود دارای معنا و مفهومی روشن بوده و از خود به‌جای گذاشته‌اند که در طول چندین دهه، مرمت شهری از فرم‌پذیری تا طراحی‌های ساده و گاهاً پیچیده باززنده‌سازی و آمیخته با هویت بافت‌های تاریخی فرسوده شهری به مرمت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مرمت آرایش شهری متحول شده‌اند. دهه ۱۹۵۰ میلادی، دهه‌ای که عمدتاً با باززنده‌سازی پس از جنگ جهانی دوم چشمگیر شده است. در مفهوم اصلی می‌توان مرمت شهری را به سه معنا عنوان کرد: «باززنده‌سازی موبه‌مو»، «باززنده‌سازی نوگرایانه در قطع کامل با گذشته» و «باززنده‌سازی نوپردازانه با نگاه به گذشته و با تأکید بر آینده» بیان می‌شود را لحاظ کرد. همچنین دهه ۱۹۶۰ میلادی، عمدتاً با بازخوانی اقدامات نوگرایانه و نوپردازانه دهه پیشین شکل می‌گرفت، نبود و یا کمبود حیات مدنی و اجتماعی در اقدامات باززنده‌سازی شهری (مرمت شهری)، سبب متمرکز شدن و نگاهی دقیق‌تر به نوسازی فرهنگی و اجتماعی بازگردانده شود. و می‌توان دهه ۱۹۷۰ میلادی، را با شناخت موقعیت‌ها و ارزش‌های نهفته در بافت‌های تاریخی شهری، با به‌دست آوردن دوباره این بافت‌ها از سوی مراکز سازمانی در دستور کار قرار داد.

۷-۵- معاصر سازی ۲۸ - مرمت شهری

باززنده‌سازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری یکی از برنامه‌های بازآفرینی شهری از ظرفیت‌ها و دسترس‌ها با حفظ سیاست‌گذاری اصولی و طراحی و رشد توسعه شهری محسوب می‌شود. بازآفرینی شهری را می‌توان یکی از تأثیرگذارترین رویکردهای معاصر در حوزه مرمت شهری به‌شمار آورد. لذا یکی از اصلی‌ترین عناصر این رویکرد نگرش به واقعیت ابعاد متنوع شهری به‌طور سامانه‌ای و سیستماتیک کردن اجزاء با ساختارهای کالبدی و طبقه‌بندی کارآمد و اجرایی کردن راهبردهای بازآفرینی مرمت شهری در دستور کار قرار داد. رویکرد معاصر مرمت شهری را می‌توان دارای اهمیت و تأکید روزافزون بر شخصیت‌های هر شهر و منطقه با عملکردهای برنامه‌ریزی شده با ارزش‌های معماری در حفظ میراث در نظر گرفت (لطفی، ۱۳۸۷: ۲۰۱-۱۹۷).

۷-۶- سابقه مرمت شهری

سابقه مرمت شهری، به‌صورت تعمیر بنا با شکل‌گیری خانه و سرپناه و لزوم تعمیر و نگهداری توأمان با باززنده‌سازی آن بوده است. حضور مرمت در فرهنگ معماری گذشته ایران از فناوری ساخت سنتی ابنیه و عناصر معماری آن قابل تشخیص می‌باشد استفاده گسترده از کاشی و آجر برای مصارف مختلف و از جمله پوشش سقف‌ها، به‌طوری‌که قابل تعویض و جایگزینی باشد یا کاهگل نشان از نقش تعمیر و نگهداری بوده است. بازسازی ساختار مرمت شهر توسط حکومت در گذشته، به عللی چون زلزله یا جنگ را می‌توان جزو سابقه مرمت شهری محسوب نمود. تاریخچه مدون مرمت در غرب به تمدن روم باستان باز می‌گردد که عناصری از فرهنگ یونان و مصر به‌کار برده شده‌اند. در دوره رنسانس نیز آثار بازمانده از تمدن‌های یونان و روم به‌جا مانده اما شکل‌گیری مرمت علمی مربوط به بعد از انقلاب صنعتی در اروپا می‌باشد.

۸- مفهوم مرمت (شهر، باززنده‌سازی) - (از دیدگاه‌ها نظریه پردازان داخلی و خارجی)

بی‌شک مسئله مرمت نوعی مسئله هویتی برای حضور انسان در سیطره تاریخ می‌باشد آن زمان که انسان در نزد خود از چیستی و کیستی در برابر اصالت خود نقش می‌بندد باید هویت خود را با پابرجا کردن گذشته در زمان آینده حفظ کند. درحقیقت مفهوم مرمت شهری پاسخی به سؤالات و شناسایی در جهت کشف حقایق هویتی برای انسان در محدوده‌های بافت‌های تاریخی ارزشمند می‌باشد. که در پژوهش حاضر دیدگاه‌های نظریه‌پردازان حوزه مرمتی براساس (جدول ۲)، در زیر پرداخته گردیده شده است.

جدول ۲- دیدگاه‌های نظریه‌پردازان در حوزهٔ مرمت (مأخذ: جمع‌آوری توسط نگارندگان)

نوع	دیدگاه‌های مرمت در مجموعه‌های مرمتی	نظریه‌پردازان	دیدگاه نظریه‌پرداز	استنتاج نویسنده‌گان
مجموعهٔ بافت تاریخی در رابطه با مرمت - (شهر، احیاء، باززنده‌سازی، بازسازی، بهسازی، نوسازی)	۱	محمد دبدبه ^{۳۹}	وی معتقد است: - با مرمت می‌توان هویت گذشته انسان را حفظ و با احیاء و دادن جان تازه، با انطباق کاربری به مجموعه‌های بناهای ارزشمند میراث ملی را در زمان متجلی نمود.	هویت گذشته درک هویت
	۲	شبنم دبدبه ^{۴۰}	وی معتقد است: - از نظر حوزهٔ هنری مرمت یک نوع پتانسیل کارگردانی بوده که با احیاء آن را به‌نمایش عموم می‌توان مدنظر قرار گرفت.	احیاء
	۳	مجید رضوان‌پناه ^{۴۱}	وی معتقد است: - مرمت نوعی باززنده‌سازی هویتی در اصالت گذشتهٔ انسان با آیندهٔ آن بوده است که منجر به هویت انسان در هر زمان توأمان با فضا و بوطیقای آن بوده است.	اصالت
	۴	امیرحسین فرحی‌نیا ^{۴۲}	وی معتقد است: - مرمت روح تازهٔ بناهای معماری با اصول ساخت و عملکرد گذشته می‌تواند موردی تأثیرپذیر در حفظ آن قرار گیرد.	اصول عملکردی در ساخت
	۵	امید شاطری وایقان ^{۴۳}	وی معتقد است: - مرمت و احیاء و جان دادن به بناها می‌تواند یک نوع استراتژی عملکردی در نگرش احیاء قرار گیرد.	احیاء
	۶	محمدمنصور فلامکی ^{۴۴}	وی معتقد است: - مرمت بافت‌های تاریخی شهری هویت میراث ملی آن جامعه بوده چراکه این هویت می‌تواند نوع فرهنگ را تعیین کند.	هویت
	۷	اوژن ویوله لودوک ^{۴۵}	وی معتقد است: - در مرمت شهری باید بناهای تاریخی از بناهای اطراف پاک و رها شوند تا بتوان به آن‌ها اهمیت و احترام بیشتری قائل شد.	اهمیت
	۸	کامیلو بویی‌تو ^{۴۶}	وی معتقد است: - مرمت شهری از دیدگاه او دارای مفاهیم معماری به‌جای ویژگی‌های شکلی و سبکی بوده و همچنین مرمت فراتر از زمان بودن بناها و مجموعه‌های تاریخی می‌تواند در نظر گرفت.	درک مفاهیم
	۹	کامیلو سیت ^{۴۷}	وی معتقد است: - در مرمت شهری باید توجه به نکات الفبای شهرسازی کهن به منظور کاربری در شهرسازی جدید توجه شود، ارزش بناهای تاریخی در ارتباط و هماهنگی فضای موجود بین بنا و محیط اطراف تلقی گردد، دارای تداوم و هویت نیز منجر گردد.	الفبای شهرسازی تداوم هویت
	۱۰	لودویکو کوارونی ^{۴۸}	وی معتقد است: - مرمت شهری امری چندوجهی با وجوه اقتصادی، کالبدی و غیره بوده است. همچنین احیاء بافت‌های تاریخی از وجوه مختلف نظیر هماهنگی و پویایی مدنظر بوده است.	چندوجهی هماهنگی پویایی
	۱۱	گوستاو جیووانی ^{۴۹}	وی معتقد است: - در مرمت شهری توجه به تفتیک شهری و فضایی لحاظ شود.	بهبود عملکرد

۹- انواع مداخله در مرمت بافت‌های تاریخی شهری

در مداخلات مرمتی جهت بهسازی بافت‌های تاریخی شهری اصل هدف بر وفاداری به تاریخ گذشته و حفظ آثار میراث ملی هویتی در محدوده‌های بافت‌های تاریخی ارزشمند بوده است. تلاش در بهسازی باید با هدف استفاده از نوع امکانات بالقوه و بالفعل موجود و نیز تقویت جنبه‌های مثبت با ایجاد هدف سازگار و تضعیف جنبه‌های منفی با ایجاد عدم ناسازگاری برخوردار گردد. مداخلهٔ بهسازی با ایجاد زمینهٔ نوسازی میزان عملکرد با انعطاف‌پذیری سازگار با نیاز امروزی و تلقیق آن با گذشته براساس نوع نیاز انسان شامل می‌شود. تلاش نوسازی باید با هدف افزایش، رونق رشد کارایی، بهره‌وری/ بهره‌برداری و بازگرداندن حیات شهری به

مجموعه‌های بافتی تاریخی ارزشمند است. امر مداخلات در بازسازی/ بهسازی/ نوسازی امری الزامی برای حفظ گذشته بوده به بیان دیگر حفظ شرایط فضایی (کلانتری خلیل‌آباد، پوراحمد، ۱۳۸۴: ۲۲۴). همچنین می‌توان برای به‌تحقق رسیدن امر پژوهش در امر مداخله، مداخلات شهری را به چهار دسته تقسیم نمود که براساس (جدول ۳)، می‌توان به درک کامل موضوع و شفاف‌سازی در حیطهٔ مرمت شهری به تبیینی سازگار برخوردار شد.

جدول ۳- مداخلات در مرمت شهری (مأخذ: جمع‌آوری توسط نگارندگان)

انواع مداخله در مرمت شهری
مداخلهٔ نوگرایانه
می‌توان گفت این نوع از مداخله متأثر از نظریه‌های صاحب‌نظران شهرسازان قرن نوزدهم میلادی نظیر آوئن، فوریه، ریچاردسون، کابه و پرودون بوده است هدف از این نوع مداخله، می‌توان گفت ارتقای سطح بهداشت و سلامت، افزایش کارایی و بالا بردن زیبایی در سطح شهر برخوردار می‌باشد. مداخلات نوگرایانه برای حل مسائل و مشکلات و مواجهه با آن، انقطاع فرهنگی را مطرح می‌نماید و نگاهی به آینده و فعالیت‌های انسانی در شهری مطرح می‌گردد همچنین با چهار عملکرد مهم در منطقه‌بندی فعالیت‌ها نظیر کاربری‌های اصلی، سکونت، رفت و آمد همه‌وهمه به‌دنبال نظام در نظام‌مندی به شهر می‌باشد.
مداخلهٔ فرهنگ‌گرایانه
می‌توان گفت این نوع از مداخله متأثر از نظریه‌های صاحب‌نظران پیش‌شهرسازان قرن نوزدهم میلادی چون راسکین، موریس، سیت و ریمون آنون بوده است. هدف از این نوع مداخله، یعنی زنده کردن ارزش‌های فرهنگی گذشته در شهر، تکیه بر رشد شهر براساس اشکال هویتی کهن، توجه به ارزش‌های زیبایی‌شناسی/ زیبایی‌شناختی شهرهای کهن دارای هویت، به حداقل رسیدن دخل‌وتصرف در بافت‌های بارز تاریخی، و بالا بردن آرامش و جذابیت شهری می‌توان مدنظر قرار گرفت.
مداخلهٔ فرانوگرایانه
می‌توان گفت این نوع از مداخله متأثر از نظریه‌های صاحب‌نظران شهرسازی دههٔ شصت قرن بیستم میلادی به بعد بوده است. همچنین مداخلهٔ فرانوگرایانه می‌تواند تلفیقی از مداخلهٔ نوگرایانه و مداخلهٔ فرهنگ‌گرایانه باشد که از افراط و تفریط دو نوع مداخله فوق بکاهد. طوری که محور اصلی این مداخله، حفظ تاروپود بافت محدودهٔ کهن در کنار دگرگونی‌های کالبدی فضایی شهر است.
مداخلهٔ مردم‌گرایانه
می‌توان گفت این نوع از مداخله متأثر از نظریه‌های صاحب‌نظران شهرسازی مشارکتی دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی است که هدف آن بالا بردن میزان مشارکت مردم در تغییرات سازمان فضایی شهر می‌باشد.

۹-۱- روش‌شناسی مداخله^{۴۰} در مرمت بافت‌های تاریخی شهری

می‌توان بیان نمود روش‌شناسی مداخله‌ای در مداخلهٔ مرمت شهری به پنج دستهٔ کلی تقسیم می‌گردند که در زیر به آن‌ها اشاره گردیده شده و برای به‌تحقق رسیدن اهمیت هرچه بیشتر موضوع براساس (جدول ۴)، نگاهی کلی به آن‌ها انجام گردیده شده است.

- ۱- روش حفاظتی/ بهداشتی
- ۲- روش حفاظتی/ تزئینی
- ۳- روش بازسازی شهری
- ۴- روش مداخلهٔ موضعی/ موضوعی
- ۵- روش جامع مرمت شهری

جدول ۴- روش‌شناسی مداخله در مرمت شهری/ بافت تاریخی (مأخذ: جمع‌آوری توسط نگارندگان)

روش‌های مداخله در مرمت شهری/ بافت تاریخی
روش حفاظتی/ بهداشتی
می‌توان گفت روش حفاظتی/ بهداشتی دربرگیرندهٔ مجموعه اقدامات برای ارتقای شرایط کمی یا کیفی در محیط بوده است. این اقدامات علی‌الاصول در پی تبدیل ناپایداری‌های شهری به مجموعه اقداماتی که شهرداری‌های شهرهای بزرگ شهرهایی که به پایداری صورت می‌پذیرد بهره‌مند می‌باشند. بنابراین دلایل اقتصادی، جهانگردی، مذهبی و غیره بیشتر به رفع معضلات برای حصول به بهبودهای نوع طرح مرمت شهری به‌حساب می‌آید. عامل اصلی در استفاده از این روش، عدم انطباق میان بافت کهن با شرایط نو و معاصر زندگی شهری است، که در آن تحولات اجتماعی، اقتصادی باعث تغییر و افزایش خواستهٔ عموم شده است. بنابراین این روش، با استفاده از امکانات و دستاوردهای جدید و برای پاسخگویی به نیازهای معاصر مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌طور مثال اقدامات هوسمان در پاریس، اقدامات مرمت شهری مورد نظر نوگرایان و

اقدامات مرمت شهری صورت گرفته در کشورهای جنوب جهان درحال توسعه و اروپای شرقی، نمونه‌های بارزی از روش حفاظتی/بهداشتی می‌باشند.

روش حفاظتی / تزئینی

می‌توان گفت روش حفاظتی/ تزئینی دربرگیرنده مجموعه اقداماتی برای حفظ، نگهداری و یا ارتقای زیبایی‌شناسی/ زیبایی‌شناختی فضایی در پیکره‌ها، سیماها، و چهره معماری شهری بافت بناهای تاریخی می‌باشد طوری که گسستن از آن‌ها پیوندهای کالبدی با بافت‌های مسکونی اطراف، از بین بردن محله‌های غیربهداشتی و فقیرنشین داخل شهر، احداث فضاهای باز در شهرها و محلات قدیمی به پیروی از معیارهای نو مربوط به روحیه‌ای هماهنگ و مشابه با شهرهای مدرن طرح‌های نوسازی شهری و به‌وجود آوردن چهره‌های بزرگ جهانی مترداف با هدف زیباسازی در این روش برخوردار بوده است. بنابراین روش حفاظتی/ تزئینی، نوعی تفکر فرهنگ‌گرا قرار گرفته است. از این ره، اقدامات مربوط به این روش عمدتاً با احیاء، ابقاء و نه تخریب مواجه است. پایه‌های نظری این روش را می‌توان به صاحب‌نظران چون راسکین، موریس و سیت در قرن نوزدهم منسوب کرد. اگرچه نکات پایه‌ای آن، سر در عصر رنسانس نیز دارد در قرن بیستم و به‌خصوص در دهه‌های آخر قرن، روش حفاظتی/ تزئینی، پژوهاکی شدید، تحت عنوان آینده‌ای برای گذشته و یا گذشته‌ای بر آینده، در مرمت شهری یافته است.

روش بازسازی شهری

می‌توان گفت روش بازسازی شهری ابتدا پس از جنگ جهانی دوم، به‌دنبال تخریب‌های وسیع گسترده شهری موردتوجه قرار گرفت طوری که برای مناطق آسیب‌دیده از جنگ مطرح شد و سپس به‌منظور نمایان ساختن غرور ملی دامنه آن به سایر مناطق شهری نیز صورت گرفت. هدف از این روش، بازگرداندن فعالیت به فضا، برگشت به حالت عادی، زنده کردن حیات شهری و در یک کلام، باززنده‌سازی فضای شهری است. همچنین روش بازسازی شهری دربرگیرنده دو وجه اساسی در مرمت شهری بوده است:

الف: بازسازی موبه‌مو: بازسازی مطابق با وضعیت گذشته بافت.

ب: بازسازی در انقطاع با گذشته: چهره و تصویر جدیدی از شهر عرضه می‌شود، به‌طوری‌که چهره گذشته بافت پاک شده و چهره جدیدی جایگزین آن برخوردار می‌گردد.

روش مداخله موضعی / موضوعی

می‌توان گفت روش مداخله موضعی/ موضوعی را نوعی رابطه مستقیم با مسئولان شهر و شهرسازی مایه اصلی مرمت شهری می‌توان مدنظر قرار داد برخوردار می‌گردد. تفکر غالب در این روش، تفکر معماری شهری بوده است به بیان دیگر در تفکر معماری شهری، به دخالت‌های موضعی، بهبود شرایط محیطی ارتقای فضای معماری و سلطه معماری با یک محدوده منحصربه‌فرد موردتوجه می‌شود. بنابراین این تفکر، به ایجاد فضاهایی که برخوردارهای اجتماعی را تسهیل کند توجه داشته و سعی در ایجاد هماهنگی میان شکل با فعالیت و فضا به‌صورت موضعی و کاملاً اجرایی دارد. این تفکر، بر آن است که از بافت‌های بارز، حداکثر استفاده صورت پذیرد و مورداستفاده قرار گیرند.

روش جامع مرمت شهری

می‌توان گفت روش جامع مرمت شهری نوعی هدفی موردتوجه به مسائل بافت‌هاب کهن باتوجه به مسائل کل شهر در قالب ارائه و تدوین روش جامع نوسازی برای کل شهر می‌باشد. بنابراین در این روش، اعتقاد بر آن است که با برخوردها و مداخلات موضعی نمی‌توان به باززنده‌سازی بافت‌های کهن شهر پرداخت.

با درنظر گرفتن چنین روش‌های در مداخله مرمت شهری می‌توان علاوه بر آشنایی با روش‌ها، تأثیر مؤثری بر باززنده‌سازی ابنیه‌های بافت‌های محدوده تاریخی مدنظر قرار گرفت همچنین با چنین عملکردی در حفظ روند اهداف پژوهش نوعی ساماندهی در محیط شهری با بهبود کیفیات می‌توان به تحقق اهداف در رونق هویت‌مندی ابنیه‌های بافتی و گردشگری به تحقق معنوی و مادی رسید.

نتیجه‌گیری

مرمت بافت‌های تاریخی شهری و باززنده‌سازی مرمت شهری در محدوده‌های بافت‌های تاریخی ارزشمند نوعی تبیین هویتی برای جوامع می‌باشد که مرمتگر آن یعنی انسان امر تحقیقی آن بوده است به بیان دیگر مرمتگر احیاء کننده دوباره باززنده‌سازی عوامر و عامل هویتی و شناسنامه برای جوامع به‌حساب می‌آید. می‌توان گفت مرمت شهری یک امری عملکردی برای انسان از گذشته به آینده بوده که هم باعث اصالت او در سیطره تاریخ برخوردار می‌گردد هم باعث رشد رونق صنعت گردشگری می‌شود. احیاء و مرمت می‌تواند یک نظام هویت شهری با رویکردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را دربر گیرد و ارزش‌های زیبایی‌شناسی/ زیبایی‌شناختی را به تحقق رساند و نوعی خاطره زیبایی در تاریخ جهان هستی شامل گردد. بنابراین مرمت بافت‌های تاریخی شهری علاوه بر حفظ تاریخ، هویت انسان نوعی پیوستگی گسترده در آفرینش مرمتگر برای مرمت در بازآفرینی شهری

به وجود می‌آورد که تنها با معنا می‌توان آن را احساس نمود. کلام آخر در این پژوهش این است که می‌توان با در نظر گرفتن مبانی مرمت با ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فرد از گذشته به آینده با حفظ هویت گذشته می‌توان نیاز امروزی و پاسخ انسان امروزی را با بازنده‌سازی، احیاء، انطباق سازگار با محوریت عدم ناسازگاری و غیره با مرمت شهری به صورت جامع می‌توان به تداعی و متجلی کردن امر تحقق اهداف به سرانجام رسید و اختصاری خارق العاده برای آدمی پدید گردید.

پی‌نوشت‌ها

- | | | |
|-------------------------------|-------------------------|---------------------------------|
| 1. Urban Renovation | 14. Atssa Amirkabirian | 27. Urban Architecture |
| 2. Reconstruction | 15. Seyed Mohsen Habibi | 28. Contemporary |
| 3. Revivalism | 16. Maliha Maghsoudi | 29. Mohammad Dabdabeh |
| 4. Altering Architecture | 17. Jon Lang | 30. Shabnam Dabdabeh |
| 5. Refurbishing | 18. Alireza Einifar | 31. Majid Rezvanpanah |
| 6. Authenticity | 19. Fred Scott | 32. Amir Hossein Farahinia |
| 7. Identity | 20. Ehsan Masoud | 33. Omid Shaterivaighan |
| 8. Gesare Brandi | 21. Navid Golchin | 34. Mohammad Mansour Falamaki |
| 9. Pirouz Hanachi | 22. Nasser Fakouhi | 35. Eugene Viollet-Ie- Duc |
| 10. Maryam Rezghi | 23. Mahmoud Arjomand | 36. Camillo Boito |
| 11. Kambiz Rezghi | 24. Ahmad Aminpour | 37. Camillo Sitte |
| 12. Asgharmohammad Moradi | 25. Historical Context | 38. Ludvico Quaroni |
| 13. Mohammad Hassan Moheb-Ali | 26. Urban Space | 39. Gustavo Giovanni |
| | | 40. Methodology of Intervention |

منابع

- ارژمند، محمود، امین‌پور، احمد، (۱۳۹۴)، نقش مرمتگر در مرمت ابنیه حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی؛ تأملی بر مبنای رویکردهای مرمتی در دانش مرمت بر اساس عامل انسانی مرمت، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره نهم، سال سوم، ۹۸-۱۰۵.
- اسکات، فرد، (۱۳۹۷)، معماری تغییر: تمهیدات تغییر در معماری موجود، ترجمه: علیرضا عینی‌فر، احسان مسعود، نوید گلچین، چاپ اول، تهران: انتشارات فکر نو.
- بحرینی، سیدحسین، (۱۳۸۴)، «تحلیل فضاهای شهری: در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان و ضوابطی برای طراحی»، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- براندی، جزاره، (۱۳۹۲)، نظریه‌های مرمت (تئوری مرمت)، ترجمه پیروز حناچی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حاجی‌پور، خلیل، (۱۳۸۶)، «مقدمه‌ای بر سیر تحول و تکوین رویکردهای مرمت شهری (دوره زمانی بعد از جنگ جهانی اول تا آغاز هزاره سوم)»، فصلنامه اندیشه ایران‌شهر، دوره ۲، شماره ۱۰-۹، صص ۲۵-۱۶.
- حبیبی، سیدمحسن، مقصودی، ملیحه، (۱۳۹۵)، مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعنامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رزقی، مریم، رزقی، کامبیز، (۱۳۹۲)، تحلیل فضاهای شهری، چاپ اول، تهران: انتشارات اول و آخر.
- ضیاءشهبانی، نوشین، آذرنوش، منا، (۱۳۹۰)، «معماری داخلی در بناهای تاریخی»، فصلنامه جلوه نقش، شماره ۵، پیاپی ۶ صص ۷۹-۷۶.
- فکوهی، ناصر، (۱۳۹۷-۱۳۹۸)، پاره‌های هنر، معماری و شهرسازی (جلد ۱ و ۲)، چاپ اول، تهران: انتشارات فکر نو.
- کریر، راب، (۱۳۸۳)، «فضاهای شهری»، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، چاپ اول، اصفهان: نشر خاک.
- کلانتری خلیل‌آباد، حسین، پوراحمد، احمد (۱۳۸۴)، «فنون و تجارب برنامه‌ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها»، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- لطفی، سهند، (۱۳۷۸)، حفاظت و بازآفرینی شهری: مفاهیم و شرایط (با تأکید بر سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی تاکنون)، رساله دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- لنگ، جان، (۱۳۹۶)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر، چاپ دهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین، (۱۳۸۱)، «تئوری شکل شهر»، ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدمرادی، اصغر، محب‌علی، محمدحسین، امیرکبیریان، آس‌سا، (۱۳۹۳)، دوازده درس مرمت، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.
- Carmona, Matthew, Heath, Tim, Oc, Taner, Tiesdell, Steve. (2003). Public places, urban spaces: The dimensions of urban design. Architectural Press